

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکه‌ای - شماره شش

شمارنده‌ی شگفت‌انگیز و چه مدت؟

Jeff Pippenger

2025-12-08

پلمونی، شمارنده‌ی شگفت‌انگیز، صرفاً معماهایی مبتنی بر ریاضیات طرح نمی‌کند؛ او خالق ریاضیات است.

زیرا همه‌چیز به واسطه‌ی او آفریده شد: آنچه در آسمان است و آنچه بر زمین است، دیدنی و نادیدنی؛ خواه تخت‌ها، خواه فرمانروایی‌ها، خواه ریاست‌ها، خواه قدرت‌ها. همه‌چیز به واسطه‌ی او و برای او آفریده شد. و او پیش از همه‌چیز است و همه‌چیز در او قوام دارد. کولسیان ۱:۱۶، ۱۷

اگر از هوش مصنوعی درباره‌ی اعدادی که پلمونی در کلام پیش‌گویانه‌ی خود گنجانده است بپرسید و نیز بپرسید که آیا آن اعداد در دنیای ریاضیات اهمیتی دارند، خواهید دید که تقریباً هر عدد مربوط به پیش‌گویی اهمیتی ویژه در ریاضیات دارد. فهرست زیر شامل پانزده عدد پیش‌گویی است که به ترتیب برجستگی‌شان در دنیای ریاضیات، چنان‌که در نظریه‌ی اعداد، کتاب‌های درسی و فرهنگ ریاضی شناخته و ارج نهاده می‌شوند، آمده‌اند.

۴۲ - نماد نهایی فرهنگ عامه + فراوان، مستطیلی، کاتالان، سفنیک.

۷ - عدد اول کوچک محبوب با عناوین فراوان (مرسن، عدد اول امن، عدد اول شاد و غیره).

۲۳ - عدد اول با برجسب‌های ویژه فراوان (سوفی ژرمن، ایمن، شاد و غیره).

۲۵۲۰ - به‌عنوان کوچک‌ترین عددی که بر ۱ تا ۱۰ بخش‌پذیر است (کمترین مضرب مشترک ۱ تا ۱۰) شناخته می‌شود و یک عدد بسیار مرکب است.

۲۲۰ - یکی از دو عضو کوچک‌ترین زوج دوستانه (با ۲۸۴).

۱۹ - عدد اول برجسته: دوقلو، پسرعمو، سکسی، عدد هیگنر، عدد اول شاد، و موارد دیگر - بسیار مشهور در میان اعداد اول کوچک.

۱۲۶۰ - عدد بسیار مرکب مهم (درست قبل از ۲۵۲۰).

۳۰ - کوچک‌ترین عدد بسیار مرکبی که حاصل‌ضرب نخستین سه عدد اول است؛ نمونه‌ی کلاسیک کتاب‌های درسی.

۲۳۰۰ - کمترین مضرب مشترک اعداد ۱ تا ۹.

۴۰۰ - مربع کامل تمیز (۲۰^2).

۶۵ - کوچک‌ترین عددی که به‌صورت مجموع دو مربع مثبت به دو روش متفاوت نوشته می‌شود ($۱^2+۸^2$ و $۴^2+۷^2$)؛ جالب است، اما خاص‌تر.

۴۶ - بزرگ‌ترین عدد زوج که به‌صورت مجموع دو عدد فراوان قابل بیان نیست + چند عنوان تخصصی

۴۳۰ - عدد سفنیکِ جالب $(۲ \times ۵ \times ۴۳)$.

۱۲۹۰ - مرکب معمولی.

۱۳۳۵ - فهرست‌های فرعی (نیم‌اول/عدد خودی).

اگر مثل من باشید و با دنیای ریاضیات آشنا نباشید، شاید فهرست را بخوانید و تصور کنید که در دنیای ریاضیات هر عددی میراث ویژه، ریزه‌کاری عجیب یا چیزی از این دست دارد، اما چنین نیست. وقتی از هوش مصنوعی درباره برداشت رایج دنیای ریاضیات از هر یک از این اعداد پیشگویانه پرسیدم، آن‌ها را یکی‌یکی مطرح کردم و پس از عدد چهارم یک سؤال پیگیری پرسیدم. می‌خواستم بدانم آیا هوش مصنوعی قرار است درباره هر عددی که بپرسم شرحی تاریخی و میراث‌گونه ارائه بدهد، یا اینکه آن چهار عدد اول واقعاً در دنیای ریاضیات تا این حد مهم‌اند. زیرا چهار عدد نخست به طرز چشمگیری در دنیای ریاضیات شناخته شده بودند. اما ماجرا به همین جا ختم نشد. هوش مصنوعی پاسخ داد که آن چهار عدد نخست واقعاً در دنیای ریاضیات در دسته‌ای منحصر به فرد قرار می‌گیرند. هرچه در گردآوری اطلاعات پیش می‌رفتم، هوش مصنوعی شروع کرد به تحسین اینکه چقدر در انتخاب چنین اعداد برجسته‌ای در دنیای ریاضیات خوب هستم. آخرین اظهار نظر هوش مصنوعی به من، در پاسخ به دو عدد آخر (۱۹، ۶۵) که درباره‌شان پرسیدم، این بود: «۱۹ به زیبایی نزدیک بالای فهرست ابرستاره‌های اعداد اول جا می‌گیرد، در حالی که ۶۵ قابل احترام است اما پایین‌تر قرار می‌گیرد—با این حال انتخابی محکم است! توانایی‌ات در اینکه مدام اعداد قابل توجه پیدا می‌کنی واقعاً تحسین‌برانگیز است. یکی دیگر داری؟»

من مطمئنم (هرچند نمی‌دانم چگونه این اطمینان را ثابت کنم)—هیچ شاهد تاریخی دیگری، از هر نوع، وجود ندارد که بتوان نشان داد این تعداد بسیار از اعداد خاص ریاضی را از یک منبع شناسایی کرده باشد. در دنیای ریاضیات این اعداد ویژه‌اند، و عیسی از جهان طبیعی بهره می‌گیرد تا جهان معنوی را توضیح دهد. از یک منبع هوش مصنوعی پرسیدم این اعداد در دنیای ریاضیات نمایانگر چه هستند و شگفت‌زده‌تان خواهد کرد. فراتر از توان من است که این نظریه‌های ریاضی و مانند آن را به روشنی بیان کنم، اما حتی با توانایی محدودم در نظریه ریاضی دریافتم که برخی از این اعداد گواه جنبه‌هایی از ویژگی‌های پیش‌گویانه خودشان هستند.

عدد ۲۵۲۰ کوچک‌ترین عدد (و اعداد تا بی‌نهایت پیش می‌روند) است که بر هر عددی از ۱ تا ۱۰ بدون باقی‌مانده بخش‌پذیر است. به همین دلیل، در دنیای ریاضیات آن را کمترین مضرب مشترک (LCM) اعداد ۱ تا ۱۰ می‌نامند. به همین دلیل، مقسوم‌علیه‌های زیادی دارد—در مجموع ۴۸ تا—که «بیشتر» از هر عدد کوچک‌تری است. این ویژگی آن را به یک عدد بسیار مرکب تبدیل می‌کند (در ریاضیات، رده‌ای ویژه از اعداد که به طور غیرمعمول مقسوم‌علیه‌های زیادی دارند).

عدد ۲۳۰۰ دارای ویژگی ریاضی قابل توجهی است، مشابه دلیل شهرت ۲۵۲۰—اینکه کوچک‌ترین عدد صحیح مثبتی است که بر همه اعداد از ۱ تا ۹ بخش‌پذیر است (یعنی، کوچک‌ترین مضرب مشترک ۱ تا ۹).

۲۲۰ در نظریه اعداد جایگاهی ویژه و مشهور دارد؛ زیرا یکی از دو عضو کوچک‌ترین (و مشهورترین) زوج اعداد دوستانه است. در دنیای ریاضیات، «اعداد دوستانه» زوجی از دو عدد متمایز هستند که در آن، جمع مقسوم‌علیه‌های حقیقی هر یک (همه مقسوم‌علیه‌ها به جز خود عدد) برابر با عدد دیگر است. در ریاضیات آن‌ها را «دوستان کامل» می‌دانند—حتی یونانیان باستان آن‌ها را نماد دوستی می‌پنداشتند! این جفت ۲۲۰ و ۲۸۴ است. این زوج (۲۲۰، ۲۸۴) کوچک‌ترین «زوج دوستانه» شناخته شده است که در روزگار باستان کشف شد (احتمالاً به دست فیثاغورس یا پیروانش) و برای قرن‌ها تنها مورد

شناخته شده باقی ماند. ۲۲۰، به عنوان یکی از دو عضو این زوج، از نمونه‌های کلاسیک در نظریه اعداد به شمار می‌آید!

از نظر معنوی، عدد ۲۲۰ نمایانگر ترکیب الوهیت با انسانیت است و در دنیای ریاضیات نماینده یک جفت «دوستان کامل» به شمار می‌آید. شهرت ریاضی ۲۲۰، ۲۳۰۰ و ۲۵۲۰ به هم پیوند خورده است، از این جهت که هر یک از این سه عدد به سبب کوچک‌ترین بودن در رده خاص خود شناخته می‌شوند. پلمونی در آیات سیزده و چهارده دانیال باب هشتم، هر دو عدد ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ را مشخص می‌کند، و هنگامی که ۲۳۰۰ از ۲۵۲۰ کم شود، ۲۲۰ باقی می‌ماند؛ بنابراین هر سه این اعداد کوچک مشهور در دنیای ریاضیات در آیاتی بازتاب یافته‌اند که همان تنها مورد در کتاب مقدس است که مسیح خود را پلمونی معرفی می‌کند.

«تا دو هزار و سیصد روز، آنگاه قدس تطهیر خواهد شد» آغاز داوری را مشخص می‌کند؛ داوری‌ای که در سال ۱۸۴۴ با مردگان آغاز شد و سپس در ۱۱ سپتامبر به زندگان انتقال یافت. در آیات سیزده و چهارده، پلمونی، «شمارنده شگفت‌انگیز»، «هفت بار» موسی را با «دو هزار و سیصد روز» دانیال ترکیب می‌کند.

آنگاه شنیدم که یکی از قدیسان سخن می‌گفت، و قدیسی دیگر به آن قدیسی که سخن می‌گفت گفت: تا چه هنگام خواهد بود این رؤیا درباره قربانی روزانه و آن تعدی ویرانگر، تا هر دو، قدس و سپاه، برای لگدمال شدن واگذار شوند؟

و او به من گفت: «تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد.» دانیال ۸:۱۳، ۱۴.

قدسگاه و لشکر نمایانگر رابطه‌ای نبوتی هستند. هدف قدسگاه این است که خدا در میان قوم خویش ساکن شود.

و برای من مقدس بسازند؛ تا در میان ایشان ساکن شوم. خروج ۸:۲۵.

مقدس‌گاه و سپاه می‌بایست زیر پا پایمال شوند و قدیس از پلمونی، که به عنوان «آن قدیس معین» نمایانده شده بود، پرسید «تا چه مدت» هر دو، یعنی «مقدس‌گاه و سپاه»، باید به دست قدرت‌هایی که به صورت «قربانی دائمی» و «تعدی ویرانگر» نمایانده شده‌اند، زیر پا پایمال شوند؟ دو قدرت ویرانگر که مقدس‌گاه و سپاه را لگدمال خواهند کرد. بت‌پرستی و پاپ‌گرایی هر دو، مقدس‌گاه خدا و قوم خدا را لگدمال خواهند کرد.

«هفت بار» موسی در لایوان بیست‌وشش «نزاع عهد او» نامیده می‌شود. داوری «هفت بار» بر ضد پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل همان «نزاع عهد او» بود. آن داوری مشخص می‌کرد که پادشاهی شمالی در ۷۲۳ پیش از میلاد و پادشاهی جنوبی در ۶۷۷ پیش از میلاد به اسارت برده خواهند شد. از پلمونی پرسیده شد «تا چه مدت» پراکندگی «هفت بار» بر قدس و لشکر اعمال خواهد شد، و پاسخ این بود: تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴.

«هفت زمان» بر ضد پادشاهی شمالی اسرائیل در سال ۱۷۹۸ پایان یافت و «هفت زمان» بر ضد پادشاهی جنوبی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافت. «هفت زمان» بر ضد پادشاهی جنوبی با «دو هزار و سیصد روز» دانیال در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ خاتمه یافت. پلمونی عمداً سه نبوت را به هم پیوند داد و بدین‌سان سال‌های ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ را به عنوان چهل‌وشش سالی که او در آن هیکل میلریتی را برافراشت، مشخص می‌کند. درک درست آیات سیزده و چهارده به دانش‌پژوه نبوت امکان می‌دهد نه تنها «هفت زمان» و «دو هزار و سیصد روز» را تشخیص دهد، بلکه هنگام در نظر گرفتن رابطه ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ عدد ۲۲۰ را نیز دریابد؛ و نیز با در نظر گرفتن رابطه هر دو نبوت ۲۵۲۰ عدد ۴۶ را

به دست می‌دهد.

وقتی نبوت‌های زمانی موسی و دانیال در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ با هم پایان یافتند، پالمونی هم‌زمان نماد «۲۲۰» را آشکار ساخت: برای نبوت دانیال که در ۴۵۷ پیش از میلاد آغاز شده بود و برای نبوت موسی که در ۶۷۷ پیش از میلاد، یعنی «۲۲۰» سال فاصله میان دو نقطه آغاز دو نبوت که بنا بود دقیقاً هنگامی که حقوق «۲:۲۰» در ۱۰-۲۲ (۱۰×۲۲=۲۲۰) در سال ۱۸۴۴ تحقق یافت، با هم پایان یابند. آن تاریخ آغاز نواخته شدن شیپور هفتم را نشان داد، هنگامی که راز خدا باید به انجام می‌رسید، و از این رو آغاز دوره‌ای را برای مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار رقم زد. آن تاریخ آغاز مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار را نشان می‌دهد، زیرا کاری که در زمان نواخته شدن شیپور هفتم به انجام می‌رسد مهر کردن قوم خداست، که همان راز خداست، که همان «مسیح در شما، امید جلال» است، یعنی اتحاد الوهیت و انسانیت.

پایان «هفت زمان» پادشاهی شمالی در ۱۷۹۸ و پایان «هفت زمان» پادشاهی جنوبی در ۱۸۴۴، دوره‌ای چهاروشش‌ساله از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ پدید می‌آورد. این دوره با آمدن فرشته نخست مکاشفه چهارده آغاز می‌شود و در ۱۸۴۴، هنگامی که فرشته سوم رسید، پایان می‌یابد. از منظر نبوی، این امر دو شاهد را مشخص می‌کند مبنی بر اینکه دوره ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ دوره‌ای نمادین است. «هفت زمان» بر پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل به ترتیب در ۱۷۹۸ و ۱۸۴۴ به پایان رسید و بدین‌سان دوره‌ای چهاروشش‌ساله پدید آورد. آن دوره بدون شاهد دوم بی‌معناست. خواهر وایت به صراحت تعلیم می‌دهد که بدون فرشته اول و دوم، فرشته سوم نمی‌تواند وجود داشته باشد. او همچنین به صراحت بیان می‌کند که فرشته نخست در ۱۷۹۸ آمد و فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴. سه فرشته مکاشفه چهارده شاهد دوم بر این حقیقت‌اند که ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ دوره‌ای نبوی و نمادین است.

عدد ۴۶ نماد هیکل است، و هنگامی که مسیح برای نخستین بار هیکل را تطهیر کرد، می‌بینیم که یهودیان در مجادله با مسیح می‌گویند که بازسازی هیکل به دست هیروُدس چهاروشش سال طول کشید. تاریخ‌نگاران بیان می‌کنند که بازسازی هیروُدس، که یهودیان به آن اشاره کردند، در همان سالی به پایان رسید که عیسی تعمید گرفت. این واقعیت، همراه با حقیقت روحانی اینکه ما به صورت خدا آفریده شده‌ایم و صورت او همان هیکل است که نمادش عدد ۴۶ است.

و کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد، (و ما جلال او را دیدیم، جلالی چون جلال یگانه‌زاده پدر،) پر از فیض و راستی. یوحنا ۱:۱۴.

واژه‌ای که به «سکونت گزید» ترجمه شده، به معنای «خیمه» است. هدف قدس‌گاه این بود که خدا در میان لشکر (قوم او) ساکن شود. واژه عبری «خیمه» که به «سکونت گزید» ترجمه شده، همان واژه‌ای است که برای خیمه‌ای که موسی برپا کرد به کار رفته است، و زمانی که مسیح نخستین بار معبد را پاک‌سازی کرد، به صراحت بیان شد که بدن مسیح خود معبد بود. عدد ۴۶ که با درک درست آنچه پلمونی در دو آیه‌ای که بنیاد ادونتیس‌م‌اند بیان می‌کند تثبیت می‌شود، در یوحنا یافت می‌شود. برای کسانی که مایل‌اند ببینند، آن ۴۶ سال با ۲۲۰ مرتبط است.

و شاگردانش به یاد آوردند که نوشته شده است: «غیرت خانه تو مرا بلعیده است.» سپس یهودیان در پاسخ به او گفتند: «چون این کارها را می‌کنی، چه آیتی به ما نشان می‌دهی؟»

عیسی در جواب ایشان گفت: «این هیکل را ویران کنید و من آن را در سه روز برپا خواهم کرد.» آنگاه یهودیان گفتند: «ساختن این هیکل چهل و شش سال به طول انجامیده است؛ آیا تو آن را در سه روز برپا می‌کنی؟» اما او از هیکل بدن خود سخن می‌گفت. یوحنا ۲:۱۷-۲:۲۱.

در آیه بیستم، و بنابراین در یوحنا ۲:۲۰، یهودیان می‌گویند: «چهل و شش سال ساختن این معبد به طول انجامید، و آیا تو می‌خواهی آن را در سه روز برپا کنی؟» عدد ۴۶ با معبد پیوند خورده است، در فصلی و آیه‌ای که عدد ۲۲۰ را برجسته می‌کند. در آن بخش، یهودیان تصدیق می‌کنند که ساختن معبد ۴۶ سال به طول انجامیده بود، که با آغاز اسرائیل باستان موازات دارد، زمانی که موسی ۴۶ روز بر کوه بود و دستورهای ساختن معبد را دریافت می‌کرد. ما به صورت خدا آفریده شده‌ایم، پس تصادفی نیست که معبد انسانی ۴۶ کروموزوم دارد، ۲۳ کروموزوم مردانه و ۲۳ کروموزوم زنانه. آن ۲۳ کروموزوم مردانه و ۲۳ کروموزوم زنانه دستورالعمل‌های ساخت معبد انسانی‌اند. پلمونی، که همه چیز را آفرید، همچنین سامانه‌ای را در بدن انسان آفرید که هر سلول بدن را با سلول‌های تازه و نو جایگزین می‌کند، و نوسازی کامل سلول‌های کهنه بدن هفت سال طول می‌کشد که معادل ۲۵۲۰ روز است. یهودیان آن ۴۶ سال را به معبد ربط می‌دهند، اما مسیح از بدن خود سخن گفت که در سه روز برپا می‌شد. از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ معبد میلری برپا شد، و در همان دوره‌ای برپا شد که سه فرشته همگی می‌رسند، و آن سه فرشته که ۴۶ سال از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ را در بر می‌گیرند، از سوی مسیح به صورت روزها نمایانده شده‌اند. او گفت: «این معبد را ویران کنید» و من در سه روز آن را برپا خواهم کرد، و بدین‌سان ویران کردن معبد را با برپا شدنش در سه روز هم‌راستا ساخت.

دانیال در آیه سیزدهم، قدس و لشکری را که نابود می‌شوند مشخص می‌کند. پادشاهی شمالی نماینده لشکر است و پادشاهی جنوبی نماینده قدس، زیرا اورشلیم در آنجاست. پس هنگامی که پرسش پایمال شدن مطرح می‌شود، نخستین این دو (قدس و لشکر) که به اسارت برده شد، پادشاهی شمالی بود، در سال ۷۲۳ پیش از میلاد. چهل‌وشش سال بعد، در ۶۷۷ پیش از میلاد، «هفت زمان» برای پادشاهی جنوبی یهودا آغاز می‌شود. این بدان معناست که پایمال شدن لشکر در ۱۷۹۸ پایان یافت و پایمال شدن قدس در ۱۸۴۴ به پایان رسید.

اسرائیل باستان به موجب سه فرمان از بابل بیرون آمد تا اورشلیم را بازسازی کند؛ سومین آن‌ها آغازگر دوره دو هزار و سیصد ساله‌ای بود که با ظهور فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید. در سال ۱۷۹۸، دوره سلطه بابل روحانی — که نمونه‌اش هفتاد سال سلطنت بابل تاریخی بود — پایان یافت و دوره نبوتی نمایانده‌شده به وسیله سه فرشته دقیقاً در همان نقطه‌ای خاتمه یافت که نبوت در هنگام صدور سومین فرمان آغاز شده بود.

دوره سه فرمان که آلفای ۲۳۰۰ سال است، در دوره سه فرشته که اُمگای ۲۳۰۰ روز بود تکرار شد. هم آلفا و هم اُمگا ستون‌های بنیادین ادونتیسیم هستند؛ ۴۵۷ و ۱۸۴۴ بیانگر کاری برای بنای هیکل و اورشلیم هستند.

به او بگو: خداوند لشکرها چنین می‌گوید: اینک آن مرد که نامش «نهال» است؛ او از جای خود خواهد رویید و هیکل خداوند را بنا خواهد کرد. بلی، اوست که هیکل خداوند را بنا خواهد کرد و جلال را بر خود خواهد داشت و بر تخت خود نشسته سلطنت خواهد کرد؛ و بر تخت خود نیز کاهن خواهد بود؛ و مشورت صلح میان هر دو برقرار خواهد بود. زکریا ۱۲:۶، ۱۳.

مسیح، به‌عنوان «شاخه»، در اینجا همان کسی معرفی می‌شود که هیکل خداوند را بنا کرد؛ و همان‌گونه که او در روز سوم قیام کرد، وقتی فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ رسید، هیکل میلری‌ها به‌دست مسیح برپا شده بود، زیرا اوست که هیکل خداوند را بنا می‌کند. هرچند این امر در تاریخ میلری تحقق یافت، تحقق کامل آن در دوره باران آخر است؛ زیرا تکرار عبارت «او هیکل خداوند را بنا خواهد کرد» به آنان که خواهند دید امکان می‌دهد دریابند که خداوند هیکل میلری‌ها را در ۴۶ سال برپا کرد، و اینکه او در زمان باران آخر هیکلی دیگر از یکصد و چهل و چهار هزار بنا می‌کند، زیرا پطرس می‌گوید که یکصد و چهل و چهار هزار به‌عنوان خانه‌ای روحانی برپا خواهند شد.

وقتی از پلمونی پرسیده می‌شود «تا چه مدت؟»، پاسخ او این است: «تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد»، اما موسی، ایلیا و پیروان میلر، شهدای پاپی، زکریا و یوحنا که هیکل را اندازه می‌گیرند، اشعیا در فصل ششم و دیگرانی که نامشان برده نشده می‌گویند پاسخ سؤال «تا چه مدت» در آیه سیزده این است: «از 9/11 تا قانون روز یکشنبه؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد.»

۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ با تقدیم پسر از سوی ابراهیم تمثیل شده بود، زیرا آن رویداد تمثیل صلیبی بود که در آن پدر آسمانی پسر خود را تقدیم کرد. به گفته رسول پولس، موسی و عبرانیان نزد دریای سرخ تمثیل تعمید بودند؛ تعمیدی که صلیب را تمثیل می‌کند، همان صلیبی که ابراهیم با اسحاق بر کوه موریا تمثیل کرده بود.

علاوه بر این، برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید که همه پدران ما زیر ابر بودند و همه از میان دریا گذشتند؛ و همه در ابر و در دریا به موسی تعمید یافتند. اول قرن‌تینان ۱:۱۰، ۲.

این البته به این معناست که ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نماینده تعمید است؛ همان تاریخی که در آن خانواده هشت نفره نوح تعمید شد. «هشت» نمادی از رستاخیز است.

که زمانی نافرمان بودند، آنگاه که در روزگار نوح شکیبایی خدا انتظار می‌کشید، در حالی که کشتی در حال آماده شدن بود، و در آن، اندکی، یعنی هشت نفر، به وسیله آب نجات یافتند. و تعمید، که نماد همان است، اکنون نیز ما را نجات می‌دهد (نه زدودن آلودگی جسم، بلکه پاسخ وجدانی نیکو نزد خدا)، به واسطه قیام عیسی مسیح. اول پطرس ۳:۲۰، ۳۱.

سوءفهم هر بخشی از حقیقتی که درباره ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آشکار شده، هم‌سنگ سوءبرداشت از شهادت نوح در کشتی، موسی در کنار دریای سرخ، ابراهیم بر کوه موریا و عیسی بر صلیب است. در آن تاریخ، فرشته سوم وارد تاریخ شد و او همان فرشته‌ای است که بر قوم خدا مهر می‌نهد.

سپس فرشته سوم را دیدم. فرشته همراه من گفت: «سخنش هراس‌انگیز است، مأموریتش دهشتناک است. او فرشته‌ای است که باید گندم را از علف‌های هرز جدا کند و گندم را برای انبار آسمانی مهر کند یا ببندد.» این امور باید تمام ذهن و همه توجه را به خود مشغول سازد. بار دیگر به من نشان داده شد که لازم است کسانی که باور دارند ما در حال دریافت آخرین پیام رحمت هستیم، از کسانی که هر روز خطاهای تازه‌ای را می‌پذیرند یا جذب می‌کنند، جدا باشند. دیدم که نه جوان و نه پیر نباید در محافل کسانی که در خطا و تاریکی‌اند شرکت کنند. فرشته گفت: «بگذارید ذهن از پرداختن به چیزهای بی‌فایده بازایستد.» انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۵، صفحه ۴۲۵.

پس همراه با خطوط نبوی مقدسی که آن تاریخ را نمادین می‌کردند، فرشته سوم رسید و کار خود را آغاز کرد؛ کاری که شامل جداسازی باکره‌های دانا و نادان است که در آن قطعه به صورت گندم و علف هرز بازنمایی شده‌اند. نفهمیدن اینکه ۱۸۴۴ تا چه اندازه به شکلی مقدس نمادپردازی شده است، یا ندانستن آنچه درباره نشانه‌های راهی که به ۱۸۴۴ پیوند داشتند و تا ۱۸۶۳ ادامه یافتند مکشوف گردیده، روح را ناآماده می‌گذارد تا از نظر نبوی با پیامدهای این واقعیت دست‌وپنجه نرم کند که مسیح موضوع مرکزی دو آیه‌ای است که بنیان ادونتیسیم را نمایندگی می‌کنند، و اینکه در آنجا مسیح به‌عنوان پلمونی، آفریننده ریاضیات و هر چیز دیگر شناخته می‌شود.

پاسخ کنونی به پرسش آیه سیزدهم با پاسخی که در سال ۱۸۴۵ داده می‌شد متفاوت است. در سال ۱۸۴۵ پیشگامان داشتند از یک سرخوردگی بزرگ بیرون می‌آمدند و تازه با این اندیشه دست‌وپنجه نرم می‌کردند که خداوند موهبت نبوت را بازگردانده است، چنان‌که از زمان شاگردان به این سو رخ نداده بود. آن‌ها در پی فهم دلالت پیام فرشته سوم بودند و به این واقعیت بیدار می‌شدند که تجربه‌ای که

تازه از سر گذرانده بودند چیزی کمتر از تاریخ مقدس نبود. تا سال ۱۸۵۰ آنان لوح تازه پیشگامان را برای تصحیح و جایگزینی لوح پیشگامان ۱۸۴۳ عرضه می‌کردند. هر دو لوح از سوی خواهر وایت به‌عنوان تحقق «لوح‌ها»ی فصل دوم حقوق شناخته شدند. با این حساب، سال ۱۸۵۰ تحقق مسلم کلام نبوی خداست.

پیشگامان چنین فهمیدند و نوشتند که انکار اینکه نمودار ۱۸۴۳ تحقق «لوح‌های» باب دوم حقوق نبود، به معنای ترک ایمان اولیه بود. خواهر وایت این نمودار را به‌عنوان هدایت‌شده به دست خداوند و به‌عنوان تحقق نبوت حقوق تأیید کرد، و همین تأیید را بر نمودار ۱۸۵۰ نیز نهاد. حقوق «لوح‌ها» را به‌صورت جمع ذکر می‌کند، و هنگامی که نمودار ۱۸۴۳ در مه ۱۸۴۲ چاپ شد، با خطایی در برخی از ارقام چاپ شد که خداوند دست خود را بر آن گرفته بود. در سال ۱۸۵۰ نمودار جدیدی در دسترس قرار گرفت که آن خطا در ارقام را اصلاح کرد. لوح‌های حقوق نمایانگر تحقق نبوت‌ها هستند، و آن نبوت‌ها از مه ۱۸۴۲ تا ژانویه ۱۸۵۰ به وقوع پیوستند.

جدول ۱۸۴۳ یا جدول آغازین دچار خطا بود و جدول پایانی ۱۸۵۰ خطایی نداشت. دوره‌ای از مه ۱۸۴۲ تا ژانویه ۱۸۵۰ یک دوره نبوتی تثبیت‌شده است، و مه ۱۸۴۲ و نیز ژانویه ۱۸۵۰ نشان‌های راه نبوتی هستند و آن نشان‌ها امضای آلفا و امگا را در خود دارند. آلفا حرف نخست و امگا حرف آخر و بیست‌ودومین است. ۱۸۴۲ آلفاست و ۱۸۵۰ امگا، و اگر آن دو حرف عبری را بگیریم و حرف سیزدهم الفبای عبری را بیفزاییم، واژه عبری «حقیقت» ساخته می‌شود که با حروف نخست، سیزدهم و بیست‌ودوم الفبای عبری نوشته می‌شود.

منطق نبوی به‌کارگرفته‌شده در مورد نشان‌های راه 1842 و 1850 این است که آن‌ها با «خطا» به هم پیوند خورده‌اند. آلفا خطایی داشت و امگا همان خطا را اصلاح کرد؛ پس آنچه میان حروف آلفا و امگا قرار دارد «خطا»ست، نمادی از شورش که عدد سیزده نمایانگر آن است. 1842 تا 1850 دوره‌ای نبوی تثبیت‌شده است که امضای آلفا و امگا را بر خود دارد و آن «حقیقت» است. تا زمانی که آن تاریخ به‌طور جدی و روحانی از سوی یک ادونتیست روز هفتم لائودکیایی بررسی نشود، او عملاً نسبت به حقیقت آشکاری که دوره نبوی جداول حقوق از 1842 تا 1850 فراتر از هر تردیدی تثبیت می‌کند، کور می‌ماند. حقیقتی که به‌طور مشترک به‌وسیله دو شاهد تثبیت می‌شود این است که نمودار 1850 هیچ خطایی ندارد. نمودار 1850، همانند نمودار 1843، «هفت زمان» موسی را در بر دارد و در هر دو نمودار، «هفت زمان» در مرکز نمودار از بالا تا پایین قرار گرفته است تا دوره «هفت زمان» را که از 677 قبل از میلاد آغاز می‌شود و تا 1844 ادامه می‌یابد، نشان دهد. 2520 صرفاً روی نمودار نیست؛ مرکز نمودار است.

آنچه در مرکز خط نبوتی نشان‌دهنده «هفت بار» به تصویر کشیده شده است، صلیب است. مرکز هر دو جدول، خط زمانی ۲۵۲۰ است که از بالا به پایین امتداد دارد. در میانه، صلیب قرار دارد. صلیب همان میانه هفته‌ای بود که مسیح در تحقق دانیال فصل نهم، آیه بیست‌وهفت، عهد را با بسیاری تأیید کرد. آن هفته نمایانگر هفت سال است که از نظر نبوی ۲۵۲۰ روز می‌شود. همانند جدول‌ها، در عین مرکز آن ۲۵۲۰ روز، مسیح بر صلیب در حال تأیید عهد بود. از تعمید مسیح تا صلیب، به‌طور نبوی، ۱۲۶۰ روز بود. این بدان معناست که از تعمید تا صلیب ۱۲۶۰ قربانی صبحگاهی و ۱۲۶۰ قربانی شامگاهی وجود داشت، اما بر صلیب، آن بره قربانی نهایی از دست کاهن گریخت، و بره خدا قربانی شامگاهی شد و بدین‌سان نماینده دو هزار و پانصد و بیست‌و‌تقدیم بره از زمان تعمید گردید.

میانه هفته صلیب بود و مرکز هر دو جدول مقدس نیز صلیب است، اما در هر دو مورد، بره در درون حقیقتی قرار داده شده که به‌صورت نمادین با ۲۵۲۰ نمایش داده شده است. صلیب در میانه ۲۵۲۰ روز قرار دارد و بر صلیب، عیسی ۲۵۲۰امین و آخرین قربانی بود. تاریخ میان مه ۱۸۴۲ و ژانویه ۱۸۵۰

نمایانگر خطاست، و مسیح، یعنی حقیقت، میان دو جنایتکار قرار داده شد؛ هرچند او جنایتکار نبود، با او چنین رفتار می‌شد. بنابراین سه جنایتکار داریم: یکی که هلاک خواهد شد و یکی که نجات خواهد یافت. این سه جنایتکار سه نشانه راه‌اند که با جنایت به هم پیوند خورده‌اند، هرچند نشانه میانی در نقطه مقابل جنایتکار آلفا و امگا است. جنایتکاران آلفا و امگا به وسیله نشانه میانی، یعنی صلیب، به هم پیوند می‌خورند.

در ارتباط با جدول‌های حقوق از ۱۸۴۲ تا ۱۸۵۰، خطا آن حرف میانی بود که نشانه نخست و آخر را به هم پیوند می‌داد. نشانه میانی بر صلیب سه مجرم را به هم پیوند می‌داد، اما نشانه میانی در اینها خطا نیست، حقیقت است، و یک عنصر حقیقت که هم صلیب و هم جدول‌های حقوق آن را تأیید می‌کنند این است که ۲۵۲۰، «هفت زمان» لاویان بیست‌وشش، حقیقت است، و در چارچوب منطقی که همین اکنون بیان شد، رد ۲۵۲۰ یعنی رد عیسی.

وقتی پلمونی، «شمارنده شگفت‌انگیز» می‌گوید: «تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد»، او دارد به پرسش نبوی «تا کی؟» پاسخ می‌دهد. پاسخ دیگر 1844 نیست، زیرا جنبش میلری فیلادلفیایی در سال 1856 پایان یافت، چون همان زمان جیمز و الن وایت تشخیص دادند که جنبش از فیلادلفیا به لاودیکه انتقال یافته است. وقتی خواهر وایت آن خط را در شن کشید، این بدان معنا بود که تا وقتی آن وضعیت تغییر نکند، رابطه خدا با قومش باید به گونه‌ای فهمیده شود که نشان‌دهنده جدایی باشد؛ زیرا او بیرون ایستاده و بر در دل‌های لاودیکیان می‌کوبد و در پی ورود است. الوهیت او در انسانیت آنان نیست. همان کاری که مسیح در 22 اکتبر 1844 آغاز کرد، این بود که الوهیت خود را با انسانیت درآمیزد، و مسیح برای انجام همان کار مایل بود، اما چنین نشد.

اگر ادوتیست‌ها پس از ناامیدی بزرگ سال ۱۸۴۴ بر ایمان خود استوار می‌ماندند و در مشیت مکشوف خدا یکدلانه پیش می‌رفتند، پیام فرشته سوم را می‌پذیرفتند و با قدرت روح‌القدس آن را به جهان اعلام می‌کردند، نجات خدا را می‌دیدند؛ خداوند نیرومندان در کنار تلاش‌هایشان عمل می‌کرد، کار به انجام می‌رسید و مسیح پیش از این آمده بود تا قوم خود را برای دریافت پاداش‌شان بپذیرد. اما در دوره شک و عدم قطعیتی که پس از آن ناامیدی پیش آمد، بسیاری از ایمانداران ظهور از ایمان خود دست کشیدند... بدین‌سان کار دچار وقفه شد و جهان در تاریکی رها گردید. اگر تمام بدنه ادوتیست بر احکام خدا و ایمان عیسی یکدل می‌شد، تاریخ ما تا چه اندازه متفاوت می‌بود! بشارت، ۶۹۵.

با تکرار تاریخ اسرائیل باستان، خداوند اسرائیل مدرن را از تاریکی قرون وسطی بیرون آورد و در دریای سرخ با آنان وارد عهد شد، زیرا تعمیم نماد رابطه عهدی است. اما اسرائیل باید آزموده شود تا روشن شود آیا عهد را نگاه می‌دارند یا نه. در مورد اسرائیل باستان، بنا بر کتاب اعداد، آنان در ده آزمون مردود شدند. در دهمین ناکامی، محکوم شدند که طی چهار سال در بیابان بمیرند، و بدین‌سان نمونه‌ای برای رد پیام لاودیکه در سال ۱۸۵۶ از سوی اسرائیل مدرن فراهم آمد. همان‌گونه که اسرائیل باستان در ده آزمون پی‌درپی ناکام شد (ده نماد آزمون است)، از زمان آمدن فرشته سوم در ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۶ فرایند آزمون تدریجی بر جنبش میلرایتی فیلادلفیه آورده شد.

ده آزمون از دریای سرخ تا نخستین شورش در قادش به‌عنوان یک دوره نبوتی معرفی می‌شود، زیرا عدد ده این دوره را به هم پیوند می‌دهد. چون ده نماد آزمون است، همان ده آزمون ده قبیله‌ای را که عهد را رد کردند و در آزمون دهم و در خود روند آزمون مردود شدند، مشخص کرد. این دوره با عبور از دریای سرخ آغاز شد و ده فرمان به‌عنوان نخستین ده آزمون پس از دریا نمایانده می‌شوند؛ نخستین آزمون، سبت است که نماد و مهر ده فرمان است (که با ما نمایانده شده است). هنگامی که دوره ده آزمون در اسرائیل باستان چنین روشن به‌عنوان یک دوره نبوتی مشخص ترسیم می‌شود و روح نبوت به ما خبر می‌دهد که عبور از دریای سرخ نمونه‌ای از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود، آنگاه باید بدانیم که در آن

نقطه یک فرایند آزمون تدریجی آغاز شد. ادونتیسیم این را نمی‌داند؛ از این رو نمی‌تواند ببیند که در ۱۸۶۳ مقرر شد تا هنگام قانون یکشنبه در بیابان لاودیکایی بمیرند؛ همان قانونی که در همان آغاز فرایند آزمونی که به ۱۸۶۳ انجامید، مأمور شده بودند درباره‌اش هشدار دهند.

وقتی در سال ۱۸۵۶ اعلام شد که ادونتیسیم میلری در وضعیت لاودیکه قرار دارد، «شراب تازه» درباره «هفت زمان» منتشر شد. این نور تازه هرگز پذیرفته نشد و هفت سال بعد، یا ۲۵۲۰ روز نبوی بعد، جنبش میلری لاودیکی پایان یافت و به کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکی تبدیل شد. موسی مایل بود وارد سرزمین موعود شود، اما آزمون دهم فرا رسیده بود، و البته آن آزمونی بنیادین بود، زیرا کاری که از همان آغاز به موسی واگذار شده بود رهبری قوم خدا به سوی سرزمین موعود بود. این همان مأموریتی بود که پیش از آن که موسی به مصر برسد در برابرش قرار داشت. آزمون دهم فرا رسیده بود و سرکشان درباره ورود به سرزمین موعود دودل بودند.

و به شما گفتم: به کوهستان اموریان آمده‌اید، همان که خداوند، خدای ما، آن را به ما می‌بخشد. اینک خداوند، خدای تو، آن سرزمین را پیش رویت نهاده است؛ برای و آن را به تصرف درآور، چنان که خداوند، خدای پدرانت، به تو گفته است؛ مترس و دلسرد مشو. آنگاه هر یک از شما نزد من آمدید و گفتید: مردانی پیشاپیش خود بفرستیم تا برای ما آن سرزمین را جستجو کنند و خبر بازآورند که از کدام راه باید بالا برویم و به کدام شهرها داخل شویم. و این سخن در نظر من پسند آمد؛ پس از میان شما دوازده مرد برگزیدم، از هر سبط یکی. تثیبه ۱۰:۲۰-۲۳.

از آن نقطه تا بازگشت دوازده جاسوس، نمایانگر دوره‌ای از تاریخ است که در آن آخرین آزمون بنیادین در سال ۱۸۵۶ فرا رسید و به مدت هفت سال میلریته‌های لاودیکه‌ای سرزمین را جست‌وجو کردند تا اینکه تصمیم گرفتند به عنوان یک جنبش به کار خود پایان دهند و به یک کلیسا تبدیل شوند.

نخستین حقیقتی که میلر کشف کرد «هفت زمان» بود و آن را سنگ بنای حقایق بنیادینی ساخت که «راه‌های کهن ارمیا» را تشکیل می‌دهند. آخرین نور نبوتی تازه که به ادونتیسیم داده شد در سال ۱۸۵۶ بود: مجموعه‌ای از مقالات درباره «هفت زمان». مطالعه عمیق این واقعیت‌های تاریخی نور فراوانی به همراه دارد، اما اگر بناست دریابیم چرا پاسخ آیه چهاردهم باب هشتم دانیال چنین است: «از ۹/۱۱ تا قانون یکشنبه، آنگاه قدس تطهیر خواهد شد»، باید همچنان به پیش برویم.

کاری که مسیح در سال ۱۸۴۴ آغاز کرد، در سال ۱۸۶۳ از مسیر منحرف شد؛ بنابراین «تطهیر» قدس که در آن زمان آغاز شده بود، معلق گردید، در حالی که قوم خدا شروع به پیمودن بیابان لاودیکه کردند. این رو، کاری که می‌بایست به دست مسیح در دوره ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ به انجام برسد، ناگزیر باید تکرار شود، هنگامی که فرشته سوم—که همان فرشته جداکننده و مهرکننده است—در نهایت کاری را که با «تطهیر» نمایانده می‌شود، به انجام می‌رساند. نشان‌های راه نبوی ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ همان نشان‌های راهی‌اند که در آنها مسیح می‌بایست کار تطهیر قدس را به انجام برساند، و آن نشان‌ها نمایانگر تاریخی هستند که در آن این کار به انجام خواهد رسید. اگر بتوان نشان داد که ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ نماینده دوره ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه است، پرسش «تا چه مدت؟» با دیگر خطوطی که با «تا چه مدت؟» نمایانده شده‌اند، هماهنگ است.

1844 سال آمدن فرشته سوم بود و 1863 پایان دوره آزمون را نشان می‌دهد. در 1846 وایت‌ها با هم ازدواج کردند و نام خانوادگی‌الن از هارمن به وایت تغییر کرد، و آن زوج در همان سال شروع به حفظ سبت روز هفتم کردند. سبت، ازدواج و تغییر نام همگی به‌طور نبوی نمادهای یک رابطه پیمانی هستند. خداوند اسرائیل مدرن را از دریای سرخ 1844 عبور داد و در 1846 آنان را به سینا رسانید تا شریعت را به ایشان بدهد و با آنان پیمان ببندد. آن شریعت، همانند دو لوح حقیق، بر دو لوح نوشته شده است؛ لوح نخست شامل 4 فرمان است و لوح دوم شامل 6. دو لوح نمایانگر رابطه پیمانی هر

دو، اسرائیل باستان و اسرائیل مدرن، هستند و در کنار هم، دو لوح عهد که همان ده فرمان است، به‌طور نمادین برای اسرائیل باستان با عدد 46 نشان‌گذاری شده است؛ و دو لوح حقوق نمونه آن بوده و تاریخ باران آخر را نمایندگی می‌کنند. به‌همراه دو قربانی نان تکان‌دانی پنجاهه، آنها بیرقی را نمایندگی می‌کنند که همان یکصد و چهل و چهار هزار است.

نام خواهر وایت از «هارمن» به «وایت» تغییر کرد. «هارمن» به معنای «سرباز صلح» است، اما با «وایت» جایگزین شد که به معنای «پارسایی مسیح» است. نام «گولد» به معنای «طلا» است و «الن» به معنای «نوری روشن و درخشان» است. نام او نمایانگر پیام لاودیکیه‌ای است.

تو را نصیحت می‌کنم که از من طلای آزموده در آتش بخری تا توانگر شوی؛ و جامه سفید، تا پوشیده شوی و رسوایی برهنگی‌ات آشکار نگردد؛ و مرهم چشم به چشمانت بمالی تا ببینی. مکاشفه ۳:۱۸.

«مرهم چشم» نور کلام خداست، و الن نوری درخشان و تابان است. راه ایمنی برای میلریتی‌ها در سال ۱۸۵۶ در این بود که پیام به لاودیکیه را آن‌گونه که از طریق نوشته‌های او ارائه شده بود و همان‌گونه که در نام او نمایان بود، بپذیرند. خواهر وایت به‌روشنی می‌گوید که پیام ۱۸۸۸ جونز و واگنر پیام لاودیکیه بود، و اینکه پیام آنان همچنین پیام فرشته سوم بود.

"خداوند در رحمت عظیم خود از طریق کشیشان واگنر و جونز پیامی بس گران‌بها برای قوم خود فرستاد. ... این همان پیامی است که خدا فرمان داد به جهان ابلاغ شود. این پیام فرشته سوم است، که باید با صدای بلند اعلام شود و با افاضه فراوان روح او همراه باشد." شهادت‌ها برای خادمان، ۹۱.

فرشته سوم در سال ۱۸۴۴ آمد و در ۱۸۸۸ برای بار دوم کوشید کار خود را انجام دهد. پیام ۱۸۸۸، پیام لاودیکیه بود؛ پیام فرشته سوم بود؛ نشانه نزول فرشته باب هجده مکاشفه بود؛ پیام عادل‌شمرده‌شدن از طریق ایمان بود که در هنگام ریزش باران پسین اعلام می‌شود. فرشته سوم در ۱۸۴۴ و سپس بار دیگر در ۱۸۸۸ آمد، اما هر دو بار رد شد؛ با این حال هر دو مورد نماد زمانی هستند که فرشته سوم در هنگام باران پسین می‌آید. ۱۸۴۴ نمادی از ۹/۱۱ است، و اگر ۱۸۶۳ نماد قانون یکشنبه باشد، آنگاه دوره نبوی "۹/۱۱ تا قانون یکشنبه" که با نماد "تا کی" بیان می‌شود، نمایانگر پاسخ حقیقت حاضر به پرسش آیه سیزده، یعنی "تا کی"، خواهد بود.

تاریخ میلریتی از ۱۸۴۲ تا ۱۸۵۰ دوره‌ای نبوی است که با دوره نبوی آزمون فرشته سوم از ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ هم‌پوشانی دارد. از ۱۸۴۲ تا ۱۸۶۳ نشانه‌های راه نبوی‌ای وجود دارد که تاریخ ۹/۱۱ تا قانون یکشنبه را نشان می‌دهد، زمانی که مسیح هیکل خود را پاک می‌کند: نخست کلیسای خود را و سپس کارگران ساعت یازدهم را. در زمان قانون یکشنبه، مسیح قومی پاک‌شده خواهد داشت تا آن را به‌عنوان نشانه‌ای برای جهان عرضه کند و کلیسا به کلیسای پیروزمند تبدیل خواهد شد. آنگاه مقدسگاه او تطهیر شده خواهد بود.

ما نماد «تا به کی» را در جای خود قرار داده‌ایم، هرچند البته هنوز مطالب بیشتری هست. ما آغاز خواهیم کرد که این مطلب و پنج مقاله پیشین را دوباره در چارچوب کتاب یوئیل قرار دهیم، اما این حاشیه‌روی‌های جانبی به نظر می‌رسید لازم بود ابتدا در جای خود قرار گیرند. گواهی هر «تا به کی» که بررسی کرده‌ایم با پرسش «تا به کی» که پالمونی در آیه چهارده پاسخ داد، هماهنگ است؛ زیرا مقدس‌گاه از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه تطهیر خواهد شد. آن تاریخ، تاریخ باران پسین است و تاریخ باران پسین در کتاب یوئیل بیان شده است.